دو ماهنامهٔ فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۶، شمـارهٔ ۱۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۷

جلوه‌های جامعه‌شناختی و شگرد طنز در اشعار عامیانهٔ جنوب

علی محمد مؤذنی[۱] علی حسن‌زاده[۲*]

(تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۶، تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱)

چکیده

طنز یکی از مهم‌ترین شیوه‌های بیان مفاهیم در گونه‌های ادب عامیانه است. همان گونه که طنز در ارزش‌گذاری هنر رسمی در پوشش خنده هدف‌های جدی را دنبال می‌کند و قلمرو آن در مسائل اجتماعی بسیار گسترده است، در فرهنگ عامه نیز جدی و قابل تأمل است. ادبیات عامیانهٔ جنوب نیز بخشی از گنجینهٔ ارزشمند فرهنگ عامه است که بازتاب شیوهٔ زندگی، اندیشه، باورها وآداب و رسوم مردم جنوب است. این پژوهش می‌کوشد که زمینه‌های جامعه‌شناختی طنز و شگردهای ایجاد آن را در اشعار عامیانهٔ جنوب بررسی کند. به منظور بررسی طنز در اشعار عامیانهٔ جنوب، ابتدا شواهد شعری مورد نظر از منابع مکتوب استخراج شد. پس از دسته‌بندی به عناصر معنوی و مادی و نظام اجتماعی، نمونه‌هایی برای جلوگیری از بسط کلام انتخاب شد. زمینه‌های اجتماعی طنز مطرح‌شده در اشعار عامیانهٔ جنوب عبارت است از: شکایت و اعتراض، ستم‌ستیزی، نظام اجتماعی، شرایط زندگی و ازدواج. طنز در اشعار عامیانهٔ جنوب با شگردهای اغراق، مناظره، مقایسه، تهکم تشبیه به حیوان، تحقیر، طنز رفتاری و مهمل‌گویی ایجاد می‌شود. طنز در اشعار عامیانهٔ جنوب به‌صورت طنز موقعیت، طنز آیینی و طنز گفتاری جلوه می‌کند.

واژه‌های کلیدی: اشعار عامیانه، طنز، دوبیتی جنوب، فرهنگ مردم.

---

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (نویسندهٔ مسئول).

* zddehali73@gmail.com

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

۱. مقدمه

ادبیات عامیانه از ارکان مهم فرهنگ هر ملت و بیانگر آمال و آلام و آینهٔ تمام‌نمای زندگی و فرهنگ آنان است. زبان و فرهنگ عامیانه بازتابی گسترده از زندگی مادی و معنوی انسان است؛ به همین دلیل یکی از بارزترین نهادها برای بررسی گذشته و شناخت روش‌های زندگی به‌شمار می‌رود. یکی از ویژگی‌های اشعار عامیانه وجود طنزی نرم و لطیف است که در بستر زمینه‌های اجتماعی به‌وجود آمده است.

ادبیات عامه ازجمله عناصر معنوی فرهنگ عامه به‌شمار می‌رود و شامل مجموعه‌ای از آثار روایی و غیرروایی منظوم و منثور و اغلب به شکل شفاهی است که از نظر ساختار و محتوا، با ادبیات سنتی مکتوب فارسی متفاوت است. مخاطبان آن مردم عادی‌اند؛ البته خواص هم از این ادبیات بهره می‌برند؛ اما در ساخت، تولید روایت‌های تازه و اشاعه، غلبه با مردم است. به ادب عامه ادب شفاهی نیز می‌گویند که در مقابل ادبیات مکتوب قرار دارد؛ زیرا کمتر به کتابت درمی‌آید و اشاعهٔ آن به صورت شفاهی و سینه به سینه است. گاه به توسع ادبیات عامه را معادل فرهنگ عامه قرار می‌دهند؛ اما مراد از ادب عامه تنها آن بخش از فرهنگ عامه است که محصول ذوق مردمان لطیف طبع و بیان احساسات آن‌هاست (ذوالفقاری، ۱۳۹۴ :۱۴).

ادبیات عامیانه به دور از جریان‌های ادب رسمی و با باورمندی و اقبال عامه به آن توانسته است گنجینه‌ای غنی و ارزشمند از فرهنگ ما را حفظ و نگهداری کند. شناسایی، ثبت و ضبط و پژوهش پیرامون ابعاد مختلف ادب عامه و ازجمله ویژگی‌های طنز آن به‌عنوان دستاوردی از داشته‌های فرهنگ ملی در پیشبرد اهداف فرهنگی نقشی انکارناپذیر دارد.

طنز در فرهنگ عامه را از جهت‌های بسیاری می‌توان بررسی کرد؛ زیرا این شکل بسیار جدی هنر، با ذات ادبیات عامه چنان در هم آمیخته و استحاله یافته است که جدا کردن آن دست‌کم مسخ اصالت ذاتی این فرهنگ را در پی خواهد داشت. طنز را با ویژگی‌های هدف‌دار و جدی خود در انواع قالب‌های فرهنگ عامه در ترانه‌ها، افسانه‌ها، نمایش‌های آیینی، مثل‌ها و بازی‌ها می‌توان دید (احمدپناهی سمنانی، ۲۱:۱۳۸۴).

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

در این تحقیق به بررسی طنز در اشعار عامیانهٔ جنوب به منظور شناخت گونه‌های طنز و شگردهای ایجاد آن در راستای فرهنگ عامه و زمینه‌های جامعه‌شناختی آن می‌پردازیم. این نوشتار بر آن است که گونه‌های طنز اشعار عامیانهٔ جنوب را تفکیک کند و شگردهای ایجاد طنز را با تأکید بر فرهنگ عامه مشخص سازد.

۲. پیشینهٔ پژوهش

در زمینهٔ مطالعات طنز در فرهنگ مردم، منوچهر احترامی در کتاب ***طنز در ادبیات تعزیه*** (۱۳۸۵) با مطالعات تطبیقی بین ادبیات تعزیه و ادبیات کلاسیک فارسی، فضاهای طنزآمیز موجود در متون تعزیه و نیز سرچشمه‌های آن را در فرهنگ کهن ایران برررسی کرده است. همچنین کتاب ***شبیه‌های شاد*** (۱۳۹۱) از غلامرضا کارگر شورکی در این زمینه منتشر شده است. در این اثر که حاصل تحقیقات میدانی نویسنده در شهر میبد یزد است، به وجوه تمسخر دشمنان و تقابل خیر و شر و انتقاد از کردار و رفتار اشقیا در تعزیه، پرداخته شده است. نعمت‌الله فاضلی در اثری تحقیقی ـ تحلیلی با عنوان ***بررسی متون طنزآمیز عامیانهٔ ایرانی*** (۱۳۹۳) به‌صورت ویژه به این موضوع پرداخته است. در این اثر به تحلیل متون طنزآمیزی پرداخته شده که طی اواخر دههٔ ۱۳۴۰ و اوایل دههٔ ۱۳۵۰ از سوی فرهنگیاران سراسر کشور، برای واحد فرهنگ مردم صدا و سیما فرستاده شده است. فاضلی در اثر خود نوعی گونه‌شناسی از طنز عامیانهٔ ایرانی بر اساس رویکرد انسان‌شناسانه ارائه داده و گونه‌های مختلف طنز عامیانه را این گونه تفکیک کرده است:

۱. طنز موقعیتی عامیانه با موقعیت‌های خنده‌آور، ۲. طنز آیینی و مراسمی، ۳. طنز عامیانهٔ گفتاری مکتوب، ۴. طنز عامیانهٔ گفتاری محاوره یا نامکتوب.

در بخش مقالات نیز پژوهشگرانی به این موضوع پرداخته‌اند. تحقیقات دربارهٔ موضوع طنز در ادبیات عامیانه به چند مقاله منحصر است:

۱. حسین بهزادی اندوهجردی (۱۳۸۴). «طنز عامیانه». ***فرهنگ مردم***. وی در این مقاله به چند نمونه طنز عامیانه در آثار ادبی و شگردهای آن به‌خصوص در «موش و گربهٔ» عبید و ***دیوان*** بسحق اطعمه پرداخته است.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

۲. محمد احمد پناهی سمنانی (۱۳۸۴). «بشنو، بخند، بگذر. طنز تبسم در ترانه‌های بومی» ***فرهنگ مردم***. در این مقاله شیوه‌های بیان طنز در چند ترانه از ترانه‌های خراسان و شمال ایران بررسی شده است.

۳. ابوالقاسم فقیری (۱۳۸۹). «طنز در فرهنگ مردم فارس». ***روزنامهٔ عصر مردم***. در این مقاله نمونه‌هایی از ادبیات عامیانه که مضامین طنز در آن وجود دارد، معرفی شده است و به جنبه‌های جامعه‌شناختی و شگرد طنز پرداخته نشده است.

۴. کلثوم قربانی جویباری (۱۳۹۱). «بررسی طنز در دوبیتی‌های روستایی خراسان». ***مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان***. در این مقاله شگردهای طنزپردازی در پاره‌ای از دوبیتی‌های محلی خراسان استخراج، تقسیم‌بندی و تحلیل شده است.

۵. حسن ذوالفقاری (۱۳۹۲). «طنزهای گفتاری و رفتاری در قصه‌های عامیانه». ***فرهنگ مردم***. در این مقاله عوامل طنز عامیانه در دو دستهٔ گفتاری و رفتاری در برخی قصه‌های عامیانه مطالعه، بررسی و تحلیل شده است. روش‌شناسی این مقاله می‌تواند راهنمای پژوهش‌های مربوطه باشد.

۶. حسن ذوالفقاری (۱۳۹۲). «طنز نمایشی در متل‌های کودکانه». ***تئاتر***. در این مقاله ضمن اشاره به ابعاد مختلف متل، به طنز موجود در متل‌ها با توجه به تکنیک‌های نوشتاری طنز و وجوه نمایشی آن و امکان انطباق ساختاری متل با امکانات اجرایی رادیو پرداخته شده است.

۷. علی محمدی (۱۳۹۶). «ویژگی‌های زبان طنز و مطایبه در تعزیه‌ها و شبیه‌نامه‌ها». ***فرهنگ و ادبیات عامه***. این مقاله ویژگی‌ها و عناصر طنزآمیز ادبی تعزیه و شبیه‌نامه‌ها را بررسی کرده است.

در زمینهٔ بررسی شگرد طنز و زمینه‌های جامعه‌شناختی آن در ادبیات عامیانهٔ جنوب تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است.

در زمینهٔ مطالعات فرهنگ و ادبیات عامیانهٔ جنوب، جهت پژوهش‌های مشابه، مقالات زیر می‌تواند راهگشا باشد:

اکبری، احد (۱۳۹۶). «جایگاه اشعار آوازهای محلی در فرهنگ فارسی استان فارس». ***فرهنگ و ادبیات عامه***. س ۵. ش ۱۳.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

نغمهٔ حسینی و حیدر یزدان‌شناس (۱۳۹۶). «گندم در فرهنگ و گویش مردم تنگستان». ***فرهنگ و ادبیات عامه***. س ۵. ش ۱۴,

۳. چارچوب نظری پژوهش و روش کار

طنز شیوه‌ای هنرمندانه از طرز بیان است که در زیرساخت خود مفهوم و معنای دیگر و یا خلاف معنای ظاهر را دارد. واژگان یا جمله‌ای که ضد معنای عادی و ظاهری خود دلالت کند، طنز نامیده می‌شود. انسان‌ها در زندگی روزمره به‌صورت ناخودآگاه از طنز استفاده می‌کنند. اصولاً عدم تجانس میان آنچه گفته شده یا انتظار می‌رود گفته شود و آنچه را به صورت حقیقی اتفاق افتاده است، به تعبیری طنز نامیده‌اند. معمولاً جملات و عبارات طنزآمیز، ذهن مخاطب را متوجه یک نقطهٔ خاص می‌کنند؛ به همین دلیل است که راوی از طنز سود جسته است تا بتواند در کمترین زمان، شنونده و خواننده را متوجه قضیهٔ مهم و بااهمیتی کرده باشد.

منظور از متون طنزآمیز فرهنگ عامیانه، کلیهٔ روایات و حکایات یا متون غیرجدی شامل شوخی‌ها، فکاهیات، هزلیات، مطایبات، کنایات و طنزهای فارسی ایرانی است که به نوعی شنونده را به خنده و خندیدن تحریک و ترغیب می‌سازد و در عین حال دربردارندهٔ مجموعه‌ای از معانی برخاسته از تجربهٔ فرهنگ مردم است (فاضلی، ۳۱:۱۳۹۳).

طنز در اصطلاح به آثاری گفته می‌شود که با دستمایهٔ آیرونی و تهکم و طعنه، به استهزا و نشان دادن عیب‌ها، زشتی‌ها، نادرستی‌ها و مفاسد فرد و جامعه می‌پردازد (داد، ۳۳۹:۱۳۸۲). اگرچه طبیعت طنز بر خنده استوار است؛ اما خلاف کمدی، خنده در طنز هدف نیست؛ بلکه وسیله‌ای است برای نشان دادن کاستی‌ها و توجه دادن به آن‌ها (انوشه، ۹۳۴:۱۳۷۶).

مبنای طنز بر شوخی و خنده است؛ اما این خنده، خندهٔ شوخی و شادمانی نیست، خنده‌ای است تلخ، جدی و دردناک، همراه با سرزنش و سرکوفت و کم‌وبیش زننده و نیش‌دار که با ایجاد ترس و بیم خطاکاران را به خطای خود متوجه می‌سازد و معایب و نواقصی را که در حیات اجتماعی پدید آمده است، برطرف می‌کند. به عبارتی دیگر،

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

طنز نوعی تنبیه اجتماعی است و هدف آن اصلاح و تزکیه است نه ذمّ و قدح و مردم‌آزاری (رزمجو، ۱۳۷۴:۹۰).

فهم طنز بیشتر هوش را به چالش و رویارویی می‌طلبد تا قلب و احساس را. آنچه را طنزنویس محکوم می‌کند حیات انسانی نیست، ابتذال و بی‌عدالتی است که حیات انسانی دائم در معرض تجاوز آن‌هاست (زرین‌کوب، ۱۳۶۸:۷۰۲). طنز با سد کردن راه عواطف منفی و خودمحور مانند ترس، خشم، اندوه و ... مروّج تفکر هم‌افزا یا خلاق است. شیوهٔ تفکر انتقادی به کمک طنز به ما می‌آموزد پیش از پذیرش هر پیام دوباره دربارهٔ آن بیندیشیم (موریل، ۱۳۹۳:۱۸۳).

شاید بخش مهمی از طنز عامیانه را بتوان در موقعیت‌های مضحک یا خنده‌آور زندگی و واقعیت‌های اجتماعی مردم جست. این بخش را می‌توان طنزهای زندگی نامید که حاصل کنار هم نشستن تضادها، تقابل‌ها، و ناهمخوانی‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی است که عامهٔ مردم با آن سروکار دارند و آن‌ها را می‌سازند. طنزنویسان رسمی و ادبی نیز اغلب از راه بیان و آشکارسازی این بخش از زندگی واقعی مردم، قادر به آفرینش آثار خود هستند (فاضلی، ۱۳۹۳: ۳۳).

در این تحقیق، تعداد ۲۶۵۰ شعر عامیانه از استان‌های فارس، بوشهر و هرمزگان بررسی و مطالعه شد و تعداد ۳۸۵ مورد طنز شناسایی شد. گونه‌های طنز به سه نوع موقعیت، آیینی و گفتاری تفکیک شد. همچنین، شیوه‌ها و شگردهای ساخت طنز در راستای عناصر فرهنگ مردم و زمینه‌های اجتماعی آن، مورد بررسی قرار گرفت.

۴. طنز موقعیت

طنز موقعیت طنزی است که بیشتر بر پایهٔ حرکات و واکنش شخصیت‌ها شکل می‌گیرد و ممکن است از واژگان و عبارات طنزآمیز استفاده نشود. در طنزهای موقعیت اکثراً با وضعیت‌های غیرمنتظره‌ای روبه‌رو هستیم که شخصیت‌ها از خود بروز می‌دهند (شیری، ۱۳۷۷:۲۰۶).

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

۱-۴. باورها

باورهای عامه یکی از عناصر مهم فرهنگ مردم است. باورها و عقاید مردم در ترانه‌ها منعکس می‌شود. قسمت عمده‌ای از اشعار عامیانهٔ جنوب طرح مسائل و مشکلات و آلامی است که به صورت غیرمستقیم یا مستقیم با طرح مضامینی همچون اعتراض، فراق، غربت، شکایت از بخت و فلک، افسوس از گذر ایام جوانی و رسیدنِ پیری، درد، رنج، فقر و دلتنگی بیان می‌شود.

این ترانه‌ها همچون هزاران مظاهر مادی و معنوی، زاییده و محصول نمایان خواست و زندگی ماست. نقش تاریک و روشن خاطر و حیات ماست. چنان به حوادث روزانه وابسته و چنان با زبری‌ها و نرمی‌های زندگی پیوسته و چنان با فلسفهٔ عشق آراسته است که قابل تصور نیست. سایهٔ تمام نمودهای زندگی بر ترانه‌های محلی نقش بسته و به نیکی فریاد سرسام‌آور و رنج‌زای زندگی از آن‌ها شنیده می‌شود (همایونی، ۴:۱۳۴۵).

خداوند: طنز زادهٔ غریزهٔ اعتراض است؛ اعتراضی که به هنر تبدیل شده است (پلارد، ۱۲:۱۳۹۱). منظومهٔ اعتراضی کلاخا ازجمله اشعار عامیانهٔ جنوب است که روح اعتراض در آن متبلور است و با سادگی بیان، عشق پاک یک روستایی را به تصویر می‌کشد و در خلال آن، اعتراض خود را با همان سادگی روستایی بیان می‌کند.

برت خان خدا نشناس عزیزن تو کهلش صد غلوم وصد کنیزن
تو دولت تو بت خان ات تپوندن نماز و روزه هم ری مات بوروندن

(رضایی، ۲۵۴:۱۳۸۱)

boret xâne xdâ našnâs، zizen/tu kalaš sad *y*lumo sad kenizwn
to dolat tu botexân et tepunden/ nemâzo ruze ham ri mât trpunden

برگردان: در نظر تو خان خدانشناس عزیز است. درون قلعه‌اش صد غلام و کنیز هست. تو ثروت و مکنت را تا بیخ گلوی خان فرو کردی. نماز و روزه را هم را بر ما واجب کردی.

سراینده با اشاره به طبقات اجتماعی خان، غلام و کنیز اعتراض خود را به خداوند بیان می‌کند و طبقهٔ اجتماعی خان را نقد می‌کند. خوانین جنوب یکی از طبقات قدرتمند اجتماعی بودند و خود برای ادارهٔ امور قوانینی را وضع می‌کردند و به پشتوانهٔ قدرت و ثروت خواسته‌های خود را به‌زور بر مردم عادی اعمال می‌کردند.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

مرگ: یکی از عناصر فرهنگ معنوی ادبیات عامه، نوع نگاه و باور به مرگ است. در ادبیات عامه مرگ پایان عشق عاشق نیست؛ بلکه مرگ هم دستاویزی است برای رسیدن به معشوق. در این دوبیتی با موقعیتی طنزآمیز معشوق را در مقام مرده‌شور و خود را مرده، قرار می‌دهد تا شاید روی وی را ببیند.

دو چشمونی که داری من اسیرم　　اگر تو مرده شوری من بمیرم
اگر غسلم دهی با سدر و کافور　　کفن پاره کنم رویت ببینم
(همایونی، ۱۳۷۹: ۲۴۰)

اصالت و اصل و نسب:

الهی اشرفی رورو نویمو　　اصیلی با قبای نو نویمو
اگر اطلس در آری زر بپوشی　　همون توله‌خور کنگرفروشی
(انصاری، ۱۳۸۶: ۴۴)

یکی از اهداف طنز، نقد رفتارهای اخلاقی ـ اجتماعی است که انجام آن از طرف شخص معینی منظور نیست؛ بلکه هر شخص یا گروهی آن را رعایت کند بر کل جامعه تأثیرگذار است. طنز با استفاده از روش تحقیر این نکته را یادآور می‌شود که اصالت با ظاهرسازی به‌دست نمی‌آید.

ستم‌ستیزی: در سال ۱۳۲۴ عشایر جنوب علیه دولت وقت قیام کردند. ناصرخان قشقایی و برادرانش از رهبران این قیام بودند. این سال در جنوب به «سال نهضتی» معروف است.

عزیزم دو دو اسبت بنازم　　عبای سبز یک دستت بنازم
شنیدم می‌روی دعوای ناصر　　عبا و دعوا و اسبت بنازم
(همایونی،۱۳۷۹: ۳۸۹)

یکی از خصوصیات اشعار عامیانه، ستم‌ستیزی و مبارزه با وضعیت موجود است که به‌صورت غیرمستقیم به صورت ابراز علاقه و تمجید از افرادی که به نحوی به صورت عملی نظام حاکم اجتماعی را برنمی‌تابند و دست به مقاومت و یاغی‌گری می‌زنند، جلوه می‌کند. این گونه افراد درواقع در این اشعار جاودانه می‌گردند و موضوع ترانه قرار می‌گیرند.

پسین‌گینی که قلعه جنگ واوی　　زمین از خون احمد رنگ واوی

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

جهازا قبلهٔ بندر دیارن | که احمد یک تن و دشمن هزارن
خبر بر مادر پیرش مگیتو | کمیتش اندن و نعشش به بارن

(احمدی ریشهری، ۲۷۴:۱۳۸۲)

احمد خان تنگستانی، فرزند باقر خان تنگستانی، از فعالان جنبش جنوب ایران در مقابل اولین هجوم انگلیس به بوشهر به بهانهٔ تصرف هرات است. وی در سال ۱۲۷۳ هجری (۱۸۵۷) در نبرد با انگلیسی‌ها کشته شد. بی‌یاوری مردم جنوب را در برابر هجوم بیگانه، در حالی که کشتی‌های مهاجمان به بندر نزدیک می‌شوند، با تقابل یک و هزار بیان می‌کند.

داشتن دختر: به‌دلیل عدم عمومیت تأمین اجتماعی در جامعهٔ عشایری و فقدان مؤسساتی که از معلولین، کارافتادگان و معمرین در دوران پیری حمایت کند، اولاد ذکور پشتوانه‌ای برای دوران پیری و عصای دست پدر تلقی می‌شود. علاوه بر این، به‌دلیل اهمیت و اعتقادی که عشایر به تداوم نسل و روشن ماندن اجاق خانواده دارند، فرزندان ذکور این مهم را انجام می‌دهند (غلامحسین‌پور، ۶۲:۱۳۸۶).

دختر که یکیش بس | اگر دو تا شود ننه‌ش بی‌کس
اگر سه تا شود تیر خونه بشکس | اگر چار تا شود جارچی خبر کن
اگر پنج تا شود فکر شور کن | اگر شش تا شود شب ظلماته
اگر هفتا شود واجب‌زکاته

(همایونی، ۱۳۷۹: ۵۷)

در این اشعار با روش اغراق، مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از داشتن دختر که برای خانواده‌های روستایی پیش می‌آمد، به صورت طنز تشریح می‌شود.

۲-۴. معیشت و زندگی

ترانه‌های عامه ـ چونان دیگر پدیده‌های هنری عوام ـ که از درون واقعیت‌های زندگی عامه بیرون می‌آیند از شور عملی حیات سرشارند. جریان اندیشهٔ عوام از این رو که با کار عملی پیوند دارد چنین ویژگی‌هایی دارد: حالت جمعی دارد، مکمل عمل است، وسیلهٔ مبارزه و بهبود زندگی است، مثبت است، امیدوار و خوشبین است. وسیله‌ای برای سبک کردن بار کار و زحمت، تخفیف فشارها و آلام زندگی است. ساده و

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

بی‌پیرایه است؛ زیرا از زندگی مردم ساده‌ای که دنیای نظر را صرفاً به‌سبب دنیای عمل می‌خواهند، برمی‌خیزد (احمدپناهی سمنانی، ۱۰۳:۱۳۷۶).

در اشعار زیر خواستهٔ عوام از زندگی، با زبانی ساده و با چاشنی طنزی ظریف بیان شده است.

خداوندا تو آگاهی و عادل — در این دنیا هشت چی میکشه دل
که اوّل قوّتی بر بازویم ده — که بار صدمنی وردارم از گل

(همایونی، ۱۳۷۹: ۳۷۱)

خواسته و آرزوهای مردم از زندگی و معاش به سادگی و زیبایی بیان شده است. تمام آرزوهای آنان مادی و زمینی است. حتی آخرین درخواست هم جهت تکمیل زندگی مادی است. ابتدا نیرویی جهت کار و تلاش می‌خواهد. در ادامه همسری زیبا و گوش‌به‌فرمان می‌خواهد. درخواست سومش نیز در راستای بهبود اقتصاد و معیشت است؛ زیرا این امر مهم از فرزندان پسر بهتر برمی‌آید. تفنگ و شکار نیز نشان‌دهندهٔ یکی از علایق مردم جنوب بوده است. همچنین جنبهٔ تأمین امنیت نیز منظور است. آرزوی پنجم در اقتصاد دامداری مردم جنوب ریشه دارد. آرزوی بعدی به رونق تجارت ادویه از هندوستان به بنادر جنوب و حمل آن با قاطر به دیگر مناطق اشاره دارد. درنهایت، آرزو دارد که بزرگ‌ترین تاجر شود و جهت تکمیل کسب وجههٔ اجتماعی، حاجی نیز شود.

فقر و نبود حمایت در دوران پیری:

یه عمری بزّیاری و باخبونی — حلا که پیرن دی هیچ اشو نی
خر ارباب از جو خورده مسّن — همه پی آخوره دسّ و پاش بسّن

(رضایی، ۱۳۷۱: ۲۵۷)

Ye omri bazzyari ve bâxbuni/ helâ ke piran di hiČ ašu ni
Xare arbâb az jo x^{w}arde massen / heme pay âxore dasso pâš bassen

برگردان: یک عمر بازیاری و باغبانی. حالا که پیرند چیزی ندارند. خر ارباب جو خورده و مست است. همه وقت پای آخور و دست و پایش بسته است.

در این بیت ضمن اشاره به دو طبقهٔ اجتماعی ارباب و بازیار، مشکل نبود حمایت اقتصادی و اجتماعی در دوران پیری با استفاده از روش مقایسه مطرح شده است. بازیار یک عمر برای ارباب کار کرده است و اکنون بدون هیچ گونه حمایتی دچار نداری و

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

فقر شده است؛ در حالی که خرِ ارباب از سرمستی وسرکشیِ ناشی از سیری، دست و پایش را بسته‌اند.

مشکل سربازی:

حوزهٔ سرواز گیری رسی برازگون　　گل وری زحمت بکش طلاقته بسون

(رضایی، ۱۳۷۱: ۱۰۲)

گوینده خطاب به همسرش می‌گوید: سربازگیری به برازجان رسید، بلند شو طلاقت را بگیر. شکایت از گذراندن دورهٔ سربازی و مشکلات ناشی از آن یکی از موضوعات نقد اجتماعی است که در اشعار عامیانهٔ جنوب مطرح می‌شود. مشکلاتی از قبیل ناسازگاری مادر و خواهر سرباز با همسر وی، بی سرپرست ماندن خانواده و دوری از خانواده. با توجه به اهمیت نیروی کار و اقتصاد خانواده، همواره خدمت سربازی مشکلاتی را برای روستاییان به همراه داشته است.

سختی محیط زندگی:

رخ تو آتش و زلف تو دود است　　مرا زین سرد مهری‌ها چه سود است
چو فایز در بیابان تشنه جان داد　　چه حاصل در صفاهان زنده رود است

(زنگویی، ۱۳۷۵:۱۲۰)

شاعر با استفاده از روش مقایسه، محیط گرم، سوزان و بی‌آب زندگی خود را همراه با مشکلات و سختی‌های جامعهٔ آن، با شهر اصفهان مقایسه و نقد می‌کند و طنزی می‌آفریند که حاصل آن ایجاد حس همدلی و دلسوزی است.

ظلم ارباب: آنچه از چهرهٔ ارباب در این ترانه‌ها مشهود است، ظلم و اجحافی است که این طبقه بر طبقات زیردست روامی‌داشته‌اند. حتی زن ارباب هم این اجازه را به خود می‌دهد که چوپان را تنبیه کند.

صبا ارباب با چوغ و رسمون　　چه خاک سر کنه بیچاره چوپون
سر شو تا سحر بیدارم امشو　　ستارهٔ آسمون می‌شمارم امشو

(همایونی، ۱۳۷۹: ۳۷۲)

نظام اقتصادی ارباب و رعیتی تا دیرزمانی بر جوامع روستایی جنوب حاکم بوده است. مردم در اشعار خود به بیان ظلم و ستم ارباب می‌پردازند و به نوعی اعتراض و مبارزهٔ خود را با نظام اجتماعی حاکم بروز می‌دهند.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

مالیات:

مشکی مشکی مشکونه بند مشکم قیطونه
دوغش مال چیپونه مسکه‌ش مال دیوونه
رنجش به ما می‌مونه

(همان، ۳۷۳)

آنچه در این ترانهٔ مشک‌جنبانی از زبان زنان به آن اعتراض می‌شود، وصول مالیات-های سنگین و ظالمانه است که درنهایت به جز رنج و درد حاصلی برای روستاییان نداشته است. زنان حین کار به نظام وصول مالیات با زمزمهٔ این ترانه اعتراض خود را ابراز می‌کنند.

ترانهٔ زیر نیز از زبان کشاورزی است که هنوز محصول کشاورزی‌اش به ثمر ننشسته که مأمور وصول مالیات برای گرفتن مالیات آمده است.

هنوز آبی به رویش تو نداده *صدای قاطر ایلخانی آمد*

(همان، ۱۹۲)

۴-۳. ازدواج

ازدواج پدیده‌ای اجتماعی است که در طول تاریخ مراحل مختلفی داشته است و به‌سبب فرهنگ‌های متفاوت، شکل‌های متفاوتی به خود گرفته است.

ازدواج عملی است که پیوند بین دو جنس مخالف را بر پایهٔ روابط پایای جنسی، موجب می‌شود. بنابراین، رابطهٔ دو فرد از یک جنس چه به طور موقت و چه دائم ازدواج خوانده نمی‌شود. ازدواج مستلزم انعقاد قرارداد اجتماعی است تا مشروعیت روابط جسمانی را موجب شود. به بیان دیگر، در راه تحقق ازدواج باید شاهد تصویب جامعه نیز باشیم (ساروخانی،۱۳۷۰:۲۳).

همسرگزینی:

دو تا گاب سیاه در کار دارم زمین شوره‌زار بسیار دارم
الهی بشکنه خیشم به زودی هوای دختر نجار دارم

(همان، ۳۵۷)

این دوبیتی به یکی از شیوه‌های همسرگزینی در جوامع کشاورزی سنتی اشاره دارد. گویندهٔ کشاورز هواخواه دختر نجار است و از خدا می‌خواهد خیشش بشکند تا گذارش به خانهٔ نجار بیفتد. دوبیتی به‌صورت غیرمستقیم به محدویت‌های اجتماعی

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

موجود در همسرگزینی و ازدواج اشاره دارد. گوینده حتی به شکستن ابزار کارش راضی است تا این محدودیت برداشته شود.

بخش عظیمی از ادبیات عامیانه را مسائل و موضوعات مربوط به ازدواج و خانواده در بر می‌گیرد. بیشتر این ترانه‌ها و اشعار ابتدا بر زبان زنان و دختران جاری شده است.

ازدواج ناخواستهٔ دختران: با توجه به بافت سنتی مناطق روستایی و آداب و رسوم خاص حاکم بر محیط‌های بسته، گاه اتفاق می‌افتاد که دختران ناخواسته به ازدواج اجباری و تحمیلی تن دهند. ازدواج با مردان پیر، درون‌همسری و ازدواج در سن پایین ازجملهٔ این ازدواج‌ها بوده است.

به‌درستی معلوم نیست چه کسانی و در چه مقطع زمانی این اشعار را سروده‌اند؛ اما این نکته معلوم است که دختران و زنان گمنامی هستند که عملاً نتوانسته بودند در برابر مناسبات ظالمانهٔ اجتماعی و نظام حاکم بر خانواده و جامعهٔ خود قیام کنند و به عبارتی آنان در شرایط خاص اجتماعی به پذیرش آداب وسنن محیط خود محکوم بوده‌اند (جاوید، ۵۳:۱۳۸۳).

مگر من دختر بابا نبودم　　مگر من خوشگل و رعنا نبودم
چرا دادن به این پیر عجوزه　　مگر من عاقل و دانا نبودم
(همایونی، ۱۳۷۹: ۲۴۲)

گویندهٔ دوبیتی با وجود اینکه صراحت دارد هم زیبا، رعنا، عاقل و داناست و با وجود این همه ویژگی‌ها، خود نتوانسته است برای ازدواج تصمیمی بگیرد و او را به همسری پیری درآورده‌اند. گوینده با طرح پرسش‌های پی‌درپی بر ازدواج تحمیلی و ناخواسته و نظام اجتماعی حاکم اعتراض می‌کند. موقعیت طنز از راه مقایسه و تحقیر ایجاد شده است.

چه خوشه شی بکنی با مرد زن دار　　سحری دعوا کنی سی کش شلوار
چه خوشه شی بکنی با مرد کوری　　سحری او گرم کنی چشش بشوری
(کاظمی، ۷۹:۱۳۸۴)

در این دوبیتی با طنز موقعیت روبه‌رو هستیم که با استفاده از روش تهکم یا آیرونی مشکلات ازدواج با مردان پیر را بیان می‌کند. آیرونی یعنی گفتن چیزی برای رساندن

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

معنی مخالفش. پس وارونه‌گویی، وارونه‌نمایی یا وانمودسازی چیزی است که در تعریف آیرونی بر سرش کمابیش اتفاق است (موکه، ۵۶:۱۳۸۹). در انواع مختلف آیرونی وجه اشتراک اساسی پوشیده سخن گفتن، تناقض و پنهان‌کاری است (داد، ۱۳۷۹: ۱۱).

ازدواج ناخواستهٔ پسران: در این گونه جوامع تنها دختران نیستند که تن به ازدواج‌های تحمیلی می‌دادند. گاه پیش می‌آمد که این گونه ازدواج‌ها گریبان‌گیر پسران هم می‌گردید که در اشعار عامیانهٔ جنوب به‌صورت اعتراض به شرایط این گونه ازدواج‌ها جلوه می‌کند. عمدهٔ مشکل پسران در این گونه ازدواج‌ها زشتی یا پیری عروس است.

آسمون اور کشیده دریا کلونه　　زن زشت میره قشنگ ظلم گرونه
(رضایی، ۱۳۷۱: ۱۰۷)

گوینده در این بیت زیبایی مرد را با زشتی زن، با روش تناقض و مقایسه به صورت طنز بیان می‌کند و می‌گوید: آسمان ابر کشیده و دریا آبی است. زن زشت باشد و شوهر زیبا، ظلم بزرگی است.

پیری عروس:

شکال مردمون کوک و کموتر　　شکال مو کلاغ پیر کردی
(همایونی، ۱۳۷۹: ۳۲۳)

این بیت از قول مردی است که با استفاده از روش مقایسه و تشبیه نسبت به پیر بودن همسرش گلایه دارد و او را کلاغ پیری می‌داند.

از دیگر ابزارهای نویسندگان و شاعران برای بیان مقصود، سود جستن از دنیای حیوانات است. برای این امر دو دلیل داشتند: یکی اینکه با گفتار صریح یا بدگویی، ریشخند بزرگان و فرمانروایان خود را ناممکن می‌دیدند. دوم اینکه با تشبیه کردن آنان به حیوانات، آن‌ها را از آسمان رفعت و شأن خیالی خودشان فرومی‌کشیدند و به حد حیوانات تنزل می‌دادند (حلبی، ۶۶:۱۳۶۵).

جانوران در حکایت‌های فابل نقشی نمادین و تمثیلی دارند. گاه یک جانور تجسم صفتی خاص است که نقش آگاهی‌دهنده و برانگیزاننده دارد (رضوانیان، ۱۵۹:۱۳۸۹). حیوانات و اشیا در این داستان‌ها معنی مجازی دارند و قرینه‌ای که معنی منظور را

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

مفهوم می‌کند، همان افعال و اعمال انسان‌هاست (پورنامداریان، ۱۶۳:۱۳۷۵). تشبیه به حیوانات علاوه بر تحقیر، برای شوخی و سرگرمی هم به‌کار می‌رود. بیان واقعیت‌های تلخ جامعه و آگاهی دادن به مردم از مهم‌ترین کارکرد این شیوه در طنزپردازی است.

ازدواج دختران در سن پایین:

الا زینی حسن حسن کریم دا که دهت کوچکت به چه به شوت دا
یه چادر گل و مورت به چه به روت د الا زینی حسن حسن کریم دا
ا

(سعیدی، ۲۱۳:۱۳۸۶)

یکی دیگر از واقعیت‌های اجتماعی که در اشعار عامیانهٔ جنوب به نقد کشیده می‌شود، ازدواج دختران در سنین کودکی است. در این دو بیت شخصی به نام زینی حسن کریم دا تحقیر و هجو می‌شود که چرا دختر کودکش را شوهر داده است. در این دو بیت خطاب به پدر دختر گفته می‌شود: ای زین‌الدین حسن کریم تو در واقع مرد نیستی؛ زیرا دختر خردسالت را شوهر دادی.

شیربها یا رشوه: «شیربها» یا«رشوه» که به معنی پولی است که داماد باید به پدر عروس پرداخت کند تا رضایت پدر عروس را جلب نماید، ازجمله آداب و رسوم ازدواج بوده است که مشکلاتی را ایجاد می‌کرد و در صورت عدم استطاعت مالی داماد، موجب می‌شد که ازدواج صورت نگیرد. شیربها دارای کارکردهای اقتصادی بوده است.

و شیراز اندسم رشوت درآرم جومه و ارخلق و کوش بارم

(رضایی، ۱۳۸۱: ۲۴۹)

ve širâz andesom rošvat derârom /ǰume ve arxolok ve koš bârom

برگردان: به شیراز آمده‌ام که شیربهایت را به‌دست بیاورم. لباس و ارخالق و کفش بیاورم.

عاشق برای تأمین مبلغ رشوه یا شیربها مجبور شده است که درد غربت را به جان بخرد تا رضایت خانوادهٔ عروس را با پرداخت آن جلب کند.

ول من شوهر چیزدار می‌خواد دوتا گوشش گوشوار می‌خواد
من مسکین نمی‌گیرد دماغش ول شیرازی و پولدار می‌خواد

(همایونی، ۵۷:۱۳۴۵)

موضوع رشوه دادن جهت تسهیل رسیدن به معشوق گاه موجب به‌وجود آمدن طنزی جالب می‌شود. برای عاشق پیش می‌آید که شبانه بخواهد به دیدار معشوق برود.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

سه تا چیزه که بر عاشق بد آیه　　سگ و همسایه و ماه که درآیه
سگو را نان دهم همسایه رشوه　　امیدوارم که ابری بر سرآیه
(همان، ۲۳۷)

زن بیوه: در جوامع روستایی به‌علت باورهای جمعی عموماً نگاهی منفی نسبت به زنان بیوه دارند.

زمین سورخن هرگز مکن کشت　　زن بیوه نداره باب بالشت
زن بیوه بکن به مال داشتن　　زن جاهل بکن به دست گردن
(سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۲۸)

در این دوبیتی نیز با تشبیهی نهفته، طنز ایجاد شده است. شاعر زن بیوه را زمینی شوره‌زار می‌داند که از آن هیچ حاصلی عاید نمی‌شود. زن بیوه را در شأن همسری نمی‌داند. او را با زن جوان مقایسه می‌کند. در صورتی می‌توان با زن بیوه ازدواج کرد که دارای اموال باشد. در این گونه موارد، گاه کارکرد اقتصادی ازدواج و بهبود شرایط معیشت اقتضا می‌کند که این گونه ازدواج صورت بگیرد.

چندهمسری: ازجمله موضوعاتی که بیشتر در لالایی‌ها مطرح می‌شود، شکایت زنان از ازدواج مجدد شوهر است. زنانی که محکوم به پذیرش نظام اجتماعی حاکم هستند، در نواهای لالایی این شکوه‌ها را سر می‌دهند. علاوه بر این لالایی‌ها در فرهنگ عامیانه کارکردهای اجتماعی مانند ایجاد آرامش برای کودک و مادر، فرصت بیان آرزوها و دردها و درنتیجه کاهش فشارها، و انتقال مفاهیم و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را دارد.

لالا لالا گل زیره　　بوات رفته زنی گیره
زنی بی‌پا و سر گیره　　ننه‌ات آروم نمی‌گیره
لالا لالا گل زیره　　بابات رفته زنی گیره
کنیز تو سیاه باشه　　سراندرپاش طلا باشه
(همایونی، ۴۶:۱۳۷۹)

درون‌همسری خویشی:

ای برادر ای برادر زن نگیر از ناکسان　　دختر عمویت نشسته چون ماه چاردهم
ای خوهم ای خوهم زن جووی ام اویت　　قد بلند و خوش قیافه تخم رییس ام اویت
(سعیدی، ۱۳۸۶: ۲۰۷)

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

یکی از انواع ازدواج‌ها در فرهنگ‌های سنتی و جوامع بسته، ازدواج‌های خویشاوندی است که در آن افراد مجبورند با شریک زناشویی انتخاب شده از میان افراد خاصی که به‌وسیلهٔ روابط خویشاوندی معین می‌شد، ازدواج کنند. **در** بیت دوم، برادر در جواب خواهرش که او را به ازدواج با دخترعمویش تشویق می‌کند، به شیوهٔ اعتراض می‌گوید: من زن زیبا و قدبلند و خوش‌قیافه از طایفهٔ بزرگان می‌خواهم.

درون‌همسری نژادی: عبارت از این است که فرد بنا بر رسم و آیین گروه اجتماعی خود ملزم است که همسرش را در محدودهٔ معینی انتخاب کند. این محدوده ممکن است بر اساس خویشاوندی، ایلی، دینی، طایفه‌ای یا منزلتی باشد.

مو دوهتم هرگسم وسیه نمیم اگه هادم وضرو پیل میم

(رضایی، ۱۳۸۱: ۲۴۹)

mo devahtom hergesam ve seyah nemyam/ege hadam ve zarve pil miyam

برگردان: من هرگز دخترم را به سیاه نمی‌دهم. اگر هم بدهم به ضرب پول می‌دهم.

شعر از قول سیاه عاشق‌پیشه‌ای است که گفتار پدر دختر را برای وی بازگو می‌کند. پدر گفته که من هرگز دخترم را به سیاه نمی‌دهم؛ اما اگر سیاه بتواند پول خوبی بدهد به ضرب و زور پول، دختر به او می‌دهم. پارادوکسی که بین «نمی‌دهم» و «می‌دهم» ایجاد شده است، موجب ایجاد طنز لطیفی شده است که پول، موجب حل بسیاری از مشکلات است و نبود آن مشکل‌آفرین. اختلاف طبقاتی نیز یکی از موانع بزرگ بر سر راه ازدواج بوده است. به علت افکار و عقاید خاص و تعصبات قبیله‌ای و قومی حاکم بر نظام اجتماعی، این گونه ازدواج معمولاً از ازدواج‌های ممنوع بوده است و به نوعی یک نوع نظام اجتماعی «کاست[1]» را به‌وجود می‌آورد. گروه‌هایی که در جنوب منحصراً ازدواج درونی داشته‌اند، عبارت است از: کولی‌ها، لوری‌ها، دلّاک‌ها، جت‌ها (ساربانان) و سیاهان مهاجر آفریقایی.

۵. طنز آیینی

یزله:

بافت ملودی در یزله، به آوازهای بدوی آفریقایی شباهت دارد. یزله معمولاً با ذکر «صلّ علی النّبی» توسط تکخوان و پاسخ همسرایان به صورت «یاهو» آغاز می‌شود. تکخوان

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

پریودهای آوازی کوتاهی می‌خواند و همسرایان در ابتدا با ادای «هلل یوس هل‌یوسا» به تکخوان پاسخ می‌دهند. (یاراحمدی، ۴۴:۱۳۸۶).

ترجیع هلل‌یوس برگرفته از آوازهای آفریقایی است که مهمل می‌نماید و جهت ایجاد شادی و هیجان بیشتر استفاده می‌شود. طنز با روش مهمل‌گویی و تکرار آن ایجاد می‌شود. این نمونه از یزله در کنار ایجاد روحیهٔ نشاط و شادی، واکنش مردم را در برابر تهاجم انگلیس به جنوب نشان می‌دهد و روح ظلم‌ستیزی ادبیات عامیانه را متبلور می‌سازد.

هلل‌یوس هل یوسا هلل‌یوس هل‌یوسا
جهاز اومد نفع دزا هلل‌یوس هل‌یوسا
ای جاکشی شکردزا ما کردیم اسکناس
انگلیس خونت خراب هلل‌یوس هل یوسا

(رضایی، ۱۳۸۱: ۲۳۹)

طلب باران:

در مناطق مختلف ایران آیین‌های ویژه‌ای جهت طلب باران برگزار می‌شده است. قبلهٔ دعا رفتن یا انجام مراسم باران‌خواهی مردم بوشهر، به رسوم گذشتهٔ ایرانیان پیش از اسلام پیوند می‌خورد و همهٔ مردم ایران با آن مأنوس بوده‌اند و می‌توان گفت که ظاهراً این رسم بازماندهٔ پرستش آناهیتا، الههٔ بارندگی و آبیاری ایران باستان است که پس از رواج اسلام، دگرگونی پذیرفته است (آریان‌پور، ۴۱:۱۳۵۴).

در جنوب و به‌خصوص بوشهر این مراسم با نمایش طنزآمیز «گِلی» برگزار می‌شده است و این اشعار را با صدای بلند تکرار می‌کردند:

گلی گلینا هوهو شاخ زرینا هوهو
گلی اومده در خونه‌تون سی خاطر جومه کهنتون
دم در خاریت وراده رسمی سی خت قرار هاده

(یاراحمدی، ۱۳۸۶: ۱۵)

ذوالفقاری این گونه طنز را طنز رفتاری می‌نامد. کنش‌هایی چون رفتار ابلهانهٔ قهرمانان، تناقض‌های رفتاری، تصادف، اتفاق غیرمنتظره، اشتباه و نظایر آن داستان را در

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

مسیری پیش می‌برد که طنزآفرین می‌شود (ذوالفقاری، ۱۴۱:۱۳۹۲). در این مراسم فقط اشعار شاد خوانده می‌شود و گلی سعی می‌کند با انجام شیرین‌کاری و رفتارهای ابلهانه، شادی بیشتری به‌وجود آورد. در واقع، ورای طلب باران در این آیین، ایجاد روحیهٔ نشاط و سرگرمی، یکی از اهداف این آیین است. در جوامع سنتی آن روز، این گونه آیین‌ها در کنار عمل به باورها و اعتقادات جمعی، کارکرد اجتماعی مهمی را هم ایفا می‌کرد که همان ایجاد تفریح، سرگرمی و روحیهٔ نشاط جمعی است.

۶. طنز گفتاری

مَثل، داستان، دستان یا نیوشه جمله‌ای است کوتاه، مشهور، و گاه آهنگین، حاوی اندرزها، مضامین حکیمانه و تجربیات قومی (ذوالفقاری، ۱۲:۱۳۸۸).

ضرب المثل‌ها از نظر کارکرد اجتماعی مانند عرف جامعه، بیانگر رفتار بهنجار و ارزش‌های اجتماعی هستند که مردم آن‌ها را پذیرفته‌اند. با وجود این، ضرب‌المثل‌ها، قوانین اجتماعی به شمار نمی‌روند. ضرب‌المثل‌ها تنها بیانگر کنش‌های رفتاری و ارزش‌های اجتماعی خاص و مورد قبول جامعه‌اند (طیب عثمان، ۱۳۷۱: ۷۰-۷۱).

طنز عنصری است که در ضرب‌المثل‌ها استحاله یافته است. جنبه‌های کنایی و استعاری در طنزِ ضرب‌المثل‌ها قوی است و مضمون پیام در آن‌ها حساب‌شده و متکی به تجارب عملی است. گو اینکه خاستگاه آن غالباً از فردی واحد یا موضوعی مشخص است؛ اما ضبط، رواج و استمرار آن را جامعه به عهده دارد (احمدپناهی سمنانی، ۲۱۲:۱۳۶۹).

چه خوش باشد جوانی وقت هی‌هی — دف و چنگ و شراب و مطرب و می
کهنسالان به محیا پند دادند — «جوانی تا به پیری پیری تا کی»
(حبیبی، ۸۳:۱۳۷۷)

گوینده با استفاده از ضرب‌المثلی طنزآمیز که هدف آن اصلاح جامعه و برگرفته از عقاید اخلاقی- اجتماعی مردم است این نکته را یادآوری می‌کند که جوانی به جای خود، پیری وقت جوانی کردن و عیش و نوش نیست.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

زمین پشت قلعه جو نمیشه «زن بیوه عروس نو نمیشه»
زن بیوه نسون که مال داره حصین و سفره وغربال داره
(همایونی، ۱۳۷۹: ۳۲۵)

ضرب‌المثل حکایتگر عقاید خاص دربارهٔ ازدواج با زنان بیوه است. با استفاده از روش مقایسه و تشبیه پنهان، طنزی را می‌آفریند که گویای نظام اجتماعی حاکم بر جامعه‌ای است که ضرب‌المثل از وجود آن برآمده است.

۷. نتیجه

گونه‌های طنز در اشعار عامیانهٔ جنوب به سه شکل جلوه می‌کند:

۱. **طنز موقعیت:** طنز موقعیت در اشعار عامیانهٔ جنوب برگرفته از زندگی جاری مردم است. هر لحظه‌ای از زندگی روستاییان و کشاورزان همراه با تضادها، تقابل‌ها، تناقض‌ها و تشابهاتی که در زندگی بشری و اجتماعی وجود دارد، می‌تواند موقعیت طنزآمیزی را خلق کند. منظور از خنده، خنده‌ای تلخ است که نشان‌دهندهٔ ناملایمات، نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌هاست. موقعیت‌های طنز در زندگی روزمره و عادی مردم جاری و زنده است . تصنعی و ساختگی نیست. مواجه شدن و زندگی کردن با این تضادها، تقابل‌ها، تناقض‌ها و یا تشابهات در دو پدیده که با هم سنخیتی ندارند، موجب ایجاد طنز می‌شود. در خلق موقعیت‌های طنز، هم عناصر معنوی فرهنگ مردم، مانند عقاید، باورها، آداب و رسوم دخیل است و هم عناصر مادی؛ مانند طرز معیشت، مشاغل و پیشه‌ها و حتی حیوانات. به این معنی که ممکن است هر عنصری از عناصر فرهنگ عامه در مواجهه با موقعیت‌های زندگی که اغلب از اختیار فرد خارج است، موجب ایجاد موقعیت طنز شود. این مواجهه و چالش و شیوهٔ برخورد شخص با آن، موقعیت طنز را به‌وجود می‌آورد. گاه ممکن است گویندهٔ شعر، آرزوی بروز موقعیتی را داشته باشد یا موقعیتی را پیش‌بینی کند یا خواهان از بین رفتن و نبود پدیده‌ای باشد که باز هم موجب خلق طنز می‌شود؛ زیرا در هر صورت، ما با افکار و آرزوهای مردمی روبه‌رو هستیم که خواهان ایجاد یا نبود پدیده‌ای هستند. این آرزوها، افکار و اندیشه‌هاست که موقعیت‌های طنز را می‌آفریند.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

۲. **طنز آیینی**: طنز آیینی در آیین‌هایی مانند طلب باران، یزله، دم دم سحری، ساروج کوبی و نیمه وجود دارد. طنز موجود در این آیین‌ها از قبل پیش‌بینی شده است. برگزارکنندگان این آیین‌ها با طنز رفتاری جهت هر چه کمدی‌تر برگزار کردن این مراسمات، به‌خصوص یزله و گلی کوسه، تلاش می‌کنند. بخشی از طنز موجود در طنز آیینی برای ایجاد نشاط و شادی است و بخش دیگر مانند ریواری مربوط به اشعار کار است که هدف آن، ایجاد نشاط و انگیزه در کار، ایجاد هیجان و شور در کارگران با موسیقی و شعر و رفع خستگی از کار روزانه است.

۳. **طنز گفتاری و زبانی**: این نوع طنز در ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها کاربرد دارد. بخشی از این ضرب‌المثل‌ها در اشعار عامیانه به‌خصوص در دوبیتی‌ها به‌کار رفته‌اند. جایی که گوینده نکتهٔ ظریفی را با استفاده از ضرب‌المثل و با شبیه‌سازی، بیان می‌کند.

یکی از ویژگی‌های طنز اشعار عامیانهٔ جنوب، اعتراض زنان به وضعیت نظام اجتماعی حاکم بر جوامع بسته و روستایی است. اعتراضاتی از قبیل پایین بودن سن ازدواج، ازدواج‌های ناخواسته و ازدواج مجدد همسران. دیگر زمینه‌های اجتماعی طنز اشعار عامیانهٔ جنوب عبارت است از: ستم‌ستیزی، فقر و محرومیت، افکار، عقاید و آداب و رسوم، اختلافات طبقاتی، نظام اجتماعی، محدودیت‌های زنان، زندگی کشاورزی و شبانی سنتی.

شگردهای ایجاد طنز در اشعار جنوب عبارت است از: اعتراض، اغراق، تحقیر، خلق موقعیت غیرمنتظره، پارادوکس، ضرب‌المثل، مقایسه، تشبیه به حیوان، خطاب حیوان و رفتار ابلهانه.

جدول ۱: عناصر طنز موجود در اشعار بررسی‌شده

قالب	درصد فراوانی طنز در اشعار	درصد فراوانی نسبت به کل عناصر طنز
بازی نمایشی	۸۱/۶	۱۴/۲
ترانهٔ کار	۶۵/۵	۴/۹
بیت لالایی	۳۱/۲	۱۰/۶
مثنوی	۲۵/۹	۱۱/۱
بیت عروسی	۱۶/۵	۲۱/۲

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

مثنوی دوبیتی	۱۰/۶	۴/۹
تک‌بیت کار	۱۰/۵	۷
دوبیتی	۷/۲	۲۴/۹

پی‌نوشت

۱. کاست، نوعی نظام طبقاتی است که در آن گروه‌بندی‌های قومی درجه‌بندی شده‌ای وجود دارد که هر یک از آن گروه‌ها به گروه‌های دیگر راه ندارد و با جایگاه نسبی خود در جامعه مشخص می‌شود.

منابع

- آریان‌پور، امیرحسین (۱۳۵۴). ***جامعه‌شناسی‌هنر***. تهران: دانشگاه‌تهران. دانشکدهٔ هنرهای زیبا.
- احترامی، منوچهر (۱۳۸۵). ***طنز در ادبیات تعزیه***. تهران: سورهٔ مهر.
- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۸۳). ***ترانه و ترانه‌سرایی در ایران***. تهران: سروش.
- _____ (۱۳۸۰). «تفرجی در شربه‌ها و واسونک‌ها». ***کتاب ماه هنر***. س۴. ش۳۹-۴۰. صص ۸۲-۸۶.
- _____ (۱۳۸۴). «طنز تبسم در ترانه‌های بومی». ***فرهنگ مردم***. س ۴. ش۱۶. صص ۲۱-۲۵.
- _____ (۱۳۶۹). ***شعر کار در ادب فارسی***. تهران: مؤلف.
- احمدی ریشهری، عبدالحسین (۱۳۸۲). ***سنگستان***. ج ۲. شیراز: نوید.
- اکبری، احد (۱۳۹۶). «جایگاه اشعار آوازهای محلی در فرهنگ فارسی استان فارس». ***فرهنگ و ادبیات عامه***. س ۵. ش ۱۳. صص ۵۱-۷۴.
- انوشه، حسن (۱۳۷۶). ***فرهنگنامهٔ ادبی فارسی***. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- انصاری، کورش (۱۳۸۶). ***فرهنگ و ادبیات عامیانهٔ مردم دشتستان***. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. بوشهر: دانشگاه آزاد اسلامی.
- بهزادی اندوهجردی، حسین (۱۳۸۴). «طنز عامیانه». ***فرهنگ مردم***. س۴. ش۱۶. صص ۱۶-۲۰.
- پلارد، آرتور (۱۳۸۳). ***طنز***. ترجمهٔ سعید سعیدپور. تهران: مرکز.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵). ***رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی***. تهران: علمی فرهنگی.
- جاوید، هوشنگ (۱۳۸۳). ***نقش زن در موسیقی مناطق ایران***. تهران: سورهٔ مهر.
- حبیبی، احمد (۱۳۷۷). ***محیا شاعری از جنوب***. شیراز: نوید.
- حسینی، نغمه و حیدر یزدان‌شناس (۱۳۹۶). «گندم در فرهنگ و گویش مردم تنگستان». ***فرهنگ و ادبیات عامه***. س ۵. ش ۱۴.صص ۱۷۵-۱۹۸.
- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۶۵). ***مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران***. تهران: پیک ترجمه و نشر.
- داد، سیما (۱۳۸۲). ***فرهنگ اصطلاحات ادبی***. تهران: مروارید.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). ***فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های ایرانی***. تهران. معین.
- _____ (۱۳۹۲). «طنزهای گفتاری و رفتاری در قصه‌های عامه». ***فرهنگ مردم***. س ۱۲. ش ۴۷-۴۸. صص ۱۴۰-۱۵۲.
- _____ (۱۳۹۲). «طنز نمایشی در متل‌های کودکانه». ***تخصصی تئاتر***. ش ۵۲-۵۳. صص ۱۵۹-۱۸۱.
- _____ (۱۳۹۴). ***زبان و ادبیات عامهٔ ایران***. تهران: سمت.
- رزمجو، حسین (۱۳۷۴). ***انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی***. مشهد: آستان قدس رضوی.
- رضایی، عبدالله (۱۳۸۱). ***ادبیات عامیانهٔ استان بوشهر***. بوشهر: شروع.
- رضوانیان، قدسیه (۱۳۸۹). ***ساختار داستانی حکایت‌های عرفانی***. تهران: سخن.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۸). ***نقش بر آب***. تهران: معین.
- زنگویی، عبدالمجید (۱۳۷۵). ***ترانه‌های فایز***. تهران: ققنوس.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). ***مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده***. تهران: سروش.
- سعیدی، سهراب (۱۳۸۶). ***فرهنگ مردم میناب***. تهران: ائلشن.
- شیری، قهرمان (۱۳۷۷). «راز طنزآوری». ***پژوهش‌های ارتباطی***. س ۷. ش ۱۴. صص ۲۰۱-۲۱۰.
- طیب‌عثمان، محمد (۱۳۷۱). ***راهنمای گردآوری سنت‌های شفاهی***. ترجمهٔ عطاءالله رهبر. تهران: آناهیتا.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]

- غلامحسین‌پور، جلال (۱۳۸۶). ***جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج در ایلات و عشایر***. شیراز: ایلاف.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳). ***بررسی متون طنز عامیانهٔ ایرانی***. تهران: علم.
- فقیری، ابوالقاسم (۱۳۸۹). «طنز در فرهنگ مردم فارس». ***روزنامهٔ عصر مردم***. ۲۶ فروردین. صص ۷-۸.
- قربانی جویباری، کلثوم (۱۳۹۱). «بررسی طنز در دوبیتی‌های خراسان». ***مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان***. س ۷. ش ۲۴.صص ۵۸-۷۳.
- کارگرشورکی، غلامرضا (۱۳۹۱). ***شبیه‌های شاد***. اردکان: آرتاکاوا.
- کاظمی، محمد (۱۳۸۴). ***بررسی ادبیات فولکلور شهرستان دیّر***. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. بوشهر: دانشگاه آزاد اسلامی.
- محمدی، علی (۱۳۹۶). «ویژگی‌های زبان طنز و مطایبه در تعزیه‌ها و شبیه‌نامه‌ها». ***فرهنگ و ادبیات عامه***. س ۵. ش ۱۳. صص ۱۳۳-۱۵۴.
- موریل، جان (۱۳۹۳). ***فلسفهٔ طنز***. ترجمهٔ محمود فرجامی و دانیال جعفری. تهران: نی.
- موکه، داگلاس کالین (۱۳۸۹). ***آیرونی***. ترجمهٔ حسن افشار. تهران. مرکز.
- همایونی، صادق (۱۳۴۵). ***ترانه‌هایی از جنوب***. تهران: ادارهٔ فرهنگ عامه.
- _____ (۱۳۷۹). ***ترانه‌های محلی فارس***. شیراز: بنیاد ایران‌شناسی.

یاراحمدی، جهانشیر (۱۳۸۶). ***ادبیات و آیین‌نامه‌های نمایشی در بوشهر***. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. بوشهر: دانشگاه آزاد اسلامی.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1397.6.19.9.6]